

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش نامه تفصیلی

بهیج حزب -
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۳۱

۲ شنبه ۳۰ مهر ماه ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

چه اثری باقی میماند؟

دزدی است یا دخل؟! اداره کل فله چه میگوید؟

رشوه خواری دزدی و اختلاس چنان در این کشور شش هزار ساله رایج شده و دزدی چنان مناسبات صمیمانه و رشت غل ناپذیر بین اکثریت فاسد کارگردان ها ایجاد کرده که رخنه کردن در آن مشکل است تاچه رسد باینکه آن رشته را بتوان قطع کرد.

حجب و حیا نباشد، دزدی را دخل و اختلاس را زورنگی مینامند. آنهایی را که به شرافت خود پایبندند و در سلك دزدان وارد نمیشوند و دامن خود را لکه دار نینمایند می عرف میخوانند. روزی نیست که در صفحات روزنامه ها اقلام بزرگ دزدی چه از صندوق ناتوان دولت و چه از کسبه ملت بیچاره نشه و منسکس نگردد.

سابق اگر میگفتند دزد آنکه رنگش بکفش داشت سرخ میشد ولی امروز آن سرخی از میان رفته لبشده تسخر آمیزیهای آنرا گرفته است.

دزدی در همه جا رواج دارد. سازمان مرتب و منظم آن مانع از این است که کوچکترین غلای بعینیت افرادش وارد شده، خدای نا کرده از این جرگه بزرگ خارج و از راه دزدی و آیین نامه های آن منحرف گردد. هدیه بکر را در میانند. اگر از گوشه ای صدایی بلند شد فوراً خفه میشود، اگر مدارکی بدست آمد و پرونده ای تنظیم شد را کله خواهد گشت، اگر تحت تعقیب قرار گرفت ترفیع مقام تعقیب را جبران میکند.

ادامه این رویه اشخاص شرافتند را کم کم از کار و مشاغل حساس خارج کرده آنهایی را هم که سست عنصرند ولی هنوز آلوده نگشته اند بشاه راه نادرستی سوق خواهد داد.

دزدی انواع مختلفه ای دارد بعضی اوقات دزد بقدری تردست و کارآمد است که مانند چشما بنگاران بزرگ، کوچکترین اثری از دخل خود نیگذارد بعضی اوقات با تمام زورنگی و با وجود ابتکارهایی که بخرج میدهد باز موفق بکشتن موضوع نیگردد.

ذبلانند تنوئه از دزدهای نوع دوم (با مدرک) را که دارای پرونده های انکار ناپذیر است ذکر نمیکنیم تا شاید مورد توجه بیشتر اولیای مسئول واقع شود و با تعقیب آن نشان دهند که دزدهم در این مملکت ممکن است روزی گیر داشته باشد.

در اواسط اردیبهشت گذشته بود که بر اثر شکایات متعددی که از بعضی نواحی کردستان بخصوص سقز با داره کل نهمونان واصل شده بود آقایان صفاری و مشار مسمم شده توسط بهیج بازرسان طرف اطمینان اداره خود تحقیقاتی بنمایند و بداندند و اما آنچه را مشاهده کردند است با مردم روی فرشهای خصوصی بکارمندان تا به آن اداره تهمت های ناروا میزنته.

دو نفر از تهران مامور شدند که بکردستان رفته بامور فله مستندج و شعبات تا به آن رسیدگی کنند و نفر بازرس اعزامی آقایان فرج الله صالحی و محمد راسخ بودند. وقتیکه غیر عزیمت آقایان بنا رسید با کمال سردی وی اهییتی تلقی کردیم زیرا کمتر دیده شده بازرس برای تعقیب دو اطراف اموری برود و سبیل چرب نشده مراجعت کند و عیالبات دزدان را تحسین نماید.

بقیه در صفحه ۳

سرتیب هوشنده افشار فرمانده سابق لشکر کردستان بالاخره روز ۲۴/۷/۲۳ مستدج را وداع گفت. هوشنده از کردستان رفته و يك سلسله خاطرات تسلیخ از او بجای مانده.

رفتار و حرکات و اجابت و خودخواهی بی مورد این مرد ایجاد نفرت زاید الوصلی در مردم نموده و روش غلط و خصومت آمیز او یکی مردم را از دولت و توجهاتش ناامید و لنگران نموده بود.

توقف پس از احضارش در کردستان با وجود اینکه جانشین او وارد شده بود مسافرت ثانوی را برای آقای سر لشکر جوانبانی اجباب نمود و بالاخره با وجود کوشش های زیاد و علاقه مفرطی که به که با آقای در کردستان داشتند دست طبیعت بر خلاف میل و آرزوی او را از آنجا دور نمود.

آری همیشه طبیعت امیال شمس و بر آورده نمیکند. غصص باید در هنگامی که مصورکاری است متوجه این باشد که روزی خواهد رسید از آن کار بر کنار شود شمس مدبر و با فراست باید بفکر این روزها باشد و چون بکار خطیری گمارده شد خود را کم نکند و با مردم بر خلاف اصول شری و اناسایت رفتار ننماید.

آقای سرتیب هوشنده افشار فراموش کرده بود که یک نفر ایرانی است و در يك منطقه وسیع و مهمی از ایران ماموریت دارد فراموش کرده بود که با تمام آشننگی ها این مصلکت دارای قوانینی است و هر کس در وظایف خود باید مراعات آن قوانین را بنماید. حضرت معظمه فراموش فرموده بودند که روزی ممکن است کاسه سیر مردم لبریز گردد کسان نیگردد کسی جرئت مخالفت با او را داشته باشد گمان میکرد هر عمل بی دویه او قابل قبول و قابل تحمل و موجب اطاعت مردم است.

آقای سرتیب هوشنده افشار فراموش کرده بود که رعایتی که مردم از او میکنند و احترامی که برای او قابل هستند و لاجار گاهی دستورات غلط او را بایرداری اطاعت مینمایند برای شمس او و بیاس آری این است نونه ای از احساسات مردم، همین مردمی که اغلب مامورین نادان آنها را بسیار کوچک شمردند از جلسه پنجم در صفحه ۸

اخبار کشور

استاندار آذربایجان

آقای فرخ که باستانداری آذر - بایجان تعیین شده بودند از این پست منسفی گردیدند.

فرماندار تبریز

آقای محمد ولی میرزا نوبان از طرف وزارت کشور بفرماندهی تبریز منسوب شدند.

استفنا از نمایندگی

آقای ناری و کیل مجلس از نمایندگی شیراز کنیا استعفادادند.

شهر دار تبریز

آقای عبدالعلی طباطبائی بست شهردار تبریز منصوب شدند.

حریق در کرمانشاه

شب ۲۴/۷/۲۳ حریق مدهشی در راستای کاوچه بزها حادث شد ساعت ده اطفای شهرداری و ساعت دو نیم اطفای شرکت نقط شروع خاموش نمودن حریق بوده آقایان رابرتسن- سنونی و شی سالیان نیز حضور داشتند ساعت ۱۱ نظامیان تیب و اندامری برای کمک آمده ساعت یازده و نیم آتش بگای خاموش شد چهارده باب دکان طمه حریق شد خسارات وارد معنوز معلوم نیست.

رئیس مالیات بر در آمد تهران

آقای مهدی اشرفی رئیس اداره تصفیة ثبیت قیمتها بست ریاست اداره مالیات بر درآمد منصوب و مشغول کار شدند.

راجع به مسافرت باد کوبه

بطوریکه از ستاد ارتش خبر میدهند

طبق اطلاع واسله از رضایه عدهای از روسای اکراد منجهله رشید بیک- قادر بیک- قاسم بیک- مهر گو بیک- حسین خارم- عرغان- سید خان بیک- امر بیک- کابل بیک- امین بیک - سید نور الدین در قریه اینه اجتماع و در مورد مسافرت باد کوبه و نتیجه مذاکرات از توری بیک ستوالانی مینمودند او هم چگونگی حرکت و مذاکراتی که رئیس جمهور آذربایجان شوری با آنها نموده شرح داده است و نیز ۵۳ نفر اطفال اکراد را که در نتیجه این مسافرت باید بباد کوبه اعزام شوند و اکنون در آنجا حاضر بملت گریه و زاری و مساعت مادران شان و برای این که مامورین دولت ایران متوجه نشوند فعلا فرستادند و فرار است که شبانه بدون اطلاع بفرستند.

هچنین قاضی محمد در مراجعت از باد کوبه مقدار شش تن کافور و دو تن سنگه ماشین تحریر همراه آورده است.

اخبار استندج

۱- آقای سرلشکر جهانیانیکه روز ۲۴/۷/۲۳ استندج وارد شده بودند بموت آقای سرتیب همایونی به اردو رفته دو روز آنجا توقف نمودند و بعد از آن آقای سرتیب هوشند امشاور با آقای سرتیب همایونی تحویل دادند. سرتیب هوشند امشاور هم روز ۲۴/۷/۲۳ بطهران عزمیت نمود.

۲- هیتی از افسر ارتش فو وزارت جنگ رای رسیدگی بامور مالی لشکر وارد و مشغول کار شده اند.

۳- سرهنگ امینه شمس مک آراء برای رسیدگی بامور امنیه کردستان وارد شده اند.

۴- سرهنگ ۲ ایران پور بجای سرهنگ میر قنبر سگسی فرستاده هتک زاندامری سابق کردستان مشغول کار شده اند.

زندان شهربانی کردستان

بسیار بجای مناسب مبداء عمر می از زندان شهربانی کردستان را برای استحضار خاطر هموطنان بیان نمایم تا بدانند زندان کردستان درست مفهوم مخالف زندانهای دنیا بوده و نامه شهربانی از شرح انواع زندانهای عالم و تاریخچه آنها تا اصلاح این سلول که پایه آرا ذلیل کننده بشر نام نهاد خودداری کند.

این زندان جایی است که بیشتر به زندان های قرون وسطی شباهت دارد. این خانه که از لحاظ نظریت شاید نباید بیش از ده نفر آدم و ۵ الاغ با اسب را در آن جای داد (زیرا خانه مزبور اصطیل ضمیمه عیارت ناظم الشریعه بوده است) امروز فضای تنگ و مرطوب و گود آن گاهی در فصل تابستان صد نفر زندانی را علاوه بر کارمندان اداری بدر خود جای میدهد.

حیاط کوچک این خانه را دیوارهای ۵ تا ۱۰ متری احاطه و طویلت و عفتت مستراح های آن هر موجودی را نابود مینماید. در اصطیل آن ده ها آدم قرن بیستم سکنی گزیده اند ۱۱ تار بیک- کثیف و سیاه علاوه بنحوی است که کوچکترین اصول صحتی و انسان دوشنی از هیچ جهت در این بیفوله رعایت نشده است.

دیوار های کهنه و شکسته آن هر آینه ممکن است سوانح سوئی را باعث شده مرکز را زود تر باستقبال مدعوین این گساح یتهرائی شهربانی دعوت کند.

سزاوار است دور برابر زندانهای معموله دنیا حتی زندان های قصر تهران و میدان و کرمانشاه این مردمان این فراموش شده های عواطف بشری و این گرفتاران و مظلومین باین روز سیاه و در این سیاه چال روی زمین در مکانی که پنجاه سال قبل اسب والاغ زیست میکردند عسری بگردانند.

شهر باغی کل توجه کند

این زندان که برای جانی ترین اشخاص و مجرم ترین گناهکاران و حتی آنها بیکه باید باشد مجازات هم جان بسیارند مناسب نیست در این زندان نوبه مردمانی را که شاید در انتظار کوچک بشمارند و در حقیقت باعث قوام جامعه بشرند بچشم خود میتوان دید که این مردمان که اغلب با قسمتی از آنان بی گناه هستند در آن گودال زرف و عمیق حیات را برایکنان باجتماع بی عاطفه تقدیم میکنند.

۵- آقای پاسبار تیموری رئیس شهربانی کردستان بر سر کار منتقل شده اند.

وقایع آزارات

۱۸۰

قوای مامور حمله این نقشه را باموثبت انجام داد پس از جنگهای شدیدی افراد هردو پست را هم اسیر و خلع سلاح نمودند. تعداد اسرا را حد نفر متجاوز بود. اسرا را با خود آورد، برای سکونت و معاش بنزول های آزاراتی ها توزیع نمودند.

امروز یکی از قطعات بست هواپیماها به زانوی مادر بروی حسکی اصابت نمود. این پیرزن پیش از یکصد و ده سال عمر داشت. این مادر که فرزندان شجاعی مانند برو و ابوب پرورده و قهرمان دیگری (احمد) را در راه آزادی کرد قربانی داده بود در این حال زخم خوردگی لونه دیگری از شجاعت و شهامت را نشان میداد بسب استخوان زانویش را خرد کرده بود ولی این زن ساله و رده مناعت خود را از دست نداده باخونسردی خارق العادای عبادت کنندگان را پذیرفته در پاره بیماری خود توضیح میداد این پای خرد شده باعضلات وزم کرده و فاسد شده که چند تیکه شده بود امیدو بیحیات برای یوبانی نگذاشته بود و در حالتیکه با کمال خونسردی گوشت های پاره پاره شده را از روی استخوان یادست بلند کرده وضیعت زخم و خردشدگی استخوان را به عبادت کنندگان نشان میداد می گفت: « من پیر شد ام این زخم من هم علاج پذیر نیست خدا را شکر میکنم که امروز مرا قربانی راه آزادی نموده و آسیمی برزندان آزارات رسانیده است و جنگجویان را حفظ نموده.»

روز دیگر نوبت حمله به پست های برون سور و برون رش بود آزاراتیها اشتباقی زیادی داشتند. که توپ بزرگی را که در برون سور سکار گذاشته شده و اسباب مزاحمت عابرین را فراهم نموده بود بدست آوردند آنها میل داشتند دهانه این توپ بزرگ را بطرف ساغولی نظامیان ترك برگردانند.

شب تربیبات لازمه گرفته شده. تزدیک صبح بهردو نقطه حمله شروع شد. هنوز تاریک بود در پست برون رش تیراندازی آغاز گشت. فرمانده برون سور باتلفن بر سرگز با بزرگه گزارش داده میگفت در پست برون رش جنگ شروع شده ولی در منطقه من آسایش برقرار است. این فرمانده جوان غافل بود از اینکه مجاهدین اطرافش را تماما گرفته و اینقدر باو نزدیک شده اند که حتی معاویه تلقنی او را هم می شنوند.

هوا روشن شد صدای تیر این پست هم بلند شده. ترکها تپه را خوب سنگر بندی نموده در روی تپه راه های ارتباط بلندی بوجود آورده بودند در حمله اول کردها خود را به دهانه توپ رسانیدند توپ بی جا ها و از توپ دور نمودند. نظامیان در سنگرهای خود جای گرفته بهدافه شیدی پرداختند. قاصه طرفین بیست الا ۲۵ متر بود. کردها یک قسمت از تپه را که توپ چادر فرمانده مست آنجا بود بدست آورده تلوق آتش را بنحوی احراز کرده بودند که در این تزدیکی دشمن سرپا ایستاده تیراندازی میکردند. نظامیان در سنگرها نمی توانستند سر بلند کنند تنها مسلسلی که فرمانده نظامیان ترك از پشت سنگر مساحمکی شخصا استعمال میکرد تا برداشت. بطول انجامیدن این حرکات بشرد کردها بود. زیرا احتمال میرفت قوای کمکی به تركها برسد. هر چند از شب تربیبات لازمه گرفته شده

بنام آقای ت. امتیاز

میهن ... ؟

کسانی که در طریق خدمت به میهن و مثنی در عقیده باک خواب و خواب را بر خود حرام نمائند در بهشت جاویدان مکانی رفیع و مری عالی دارند .

حضرت رسول (ص)

هنوز خرابکاریهایی که در نتیجه جنگ دائمی در پادشاه اذهان فراموش نشده هنوز قتل نفوسیکه بسمل آمده در اظفار باقی است خسارت مادی ناگون تعیین نشده و ضرر های معنوی وارده از این دعا با هیچ رقم و ارزشی بر آوردنی نیست . منکسر لیستیم که دست بنام آزادی و دفاع از حریت همی با دست دیگر گلزار گشته و با صرف مال و جان بردشمن غالب شده ولی اگر بنظر تحقیق وقت در اس اساس پنج سال دعا پشگریم دعوی هر دست به منظور دفاع از میهن خود بوده است و بر .

فلان دولت بطور قطع و اطمینان مبلهید اگر فلان دولت ضعیف با مال مرام از ی شود ظاهراً لطف باو وارد نی آید ولی باطناً و متدرجا میهن و موامش خطر خواهد افتاد . قدرت یکی از آتان باعث ضعف و زوال دیگری و همچنین زوال يك دولت سبب اضلال ملت و میهنش خواهد گردید . پس اینطور نتیجه خواهیم گرفت جنگ گذشته دست بندیهای صلح اخیر ، حتی کوشش و تلاش برای کشف سبب اتنی و هزاران تنابین مرام متلاف و مسلکی غیره و غیره که در آتیه نزدیک بعمل آید فقط منتهی بیک راه میشود : حفظ استقلال میهن ، پیشرفت و ترقی میهن ...

سر تمالی ملل غرب و اکبر مرام آتان را اگر چنانچه تجربه و تحلیل کنیم فقط در سایه میهن دوستی است که دور بروز و آن بآن در طریق مثنی ترقی و تمالی سیر مینمایند کسیکه بجهت خبیات کند بماند خود خبیات کرده تا همین نباشد ملت مفهومی ندارد . ملتی که در راه وطنش فداکاری و جسابازی نکند ، سرانجام بیندگی و بردگی مبتلا خواهد شد .

میهن ما مصاری است که ناموس اجتماع ما در آن محافظت میشود . وای بروزیکه رخنه و غللی در حصار آن ساخت شود ، بزرگترین دستور منجی و پیشوای مقدس اسلامی (ص) امر جهاد است . و جهاد جزو اصول دین قرار گرفته . همین کافی است که ما را با اهمیت موضوع آشنا سازد چون جهاد موقتی الزام پیدا میکند که میهن اقوام در خطر و تعرض قرار گیرد . اکنون که بطور اختصار در راهیبت و دوستداری میهن اشاره شد بایستی باین قسمت نیز توجه کنیم : آنکه فداکاری برای دفاع از آن واجب است ، کوشش و جدیت نیز برای آبادی و عمران وجه و جهه بنظور

الفبای آسان

الفبای آسان شاهراه رستگاری ایرانیان است

هر دارنده اندک شعور میداند که سرچشمه همه خرابیها ایران و بریشانیهای ایرانیان همانا بی علمی و بی سوادى ۹۵ در صدمت است و حال آنکه پیشبر اسلام طلب علم را برز و مرد واجب و فریضه فرار داده و نیاکان ما با تاسیس هزاران مدرسه و میلیون ها موقوفه مردمان را بتحصیل علم تشویق کرده اند .

داشتند ان روشنفکر سابق و لاحق بر اثر تعقیبات عیب قدر ، بیانند که معایب اشکالات بیشمار الفبای کتبی بیکانه مانع تعمیم سواد بوده و میباشد .

گروه طرفداران الفبای آسان پس از شور با غالب اشخاص صلاحیت دار ایران و مطالعات و تجربیات طولانی و دقیق الفبای را بنام الفبای آسان برگزید که بوسیله آن هر بیسواد بتواند در سه روز بایک هفته حداکثر در یک کلاس کاملاً سواد شود . بدین معنی که هر چه دلت خواهد می غلط بنویسد و نوشته هارا صحیحاً بخواند (این کار را غالب کشور های اسلامی نیز کرده اند) .

اینک چند نمونه از الفبای آسان الفبای آسان را یاد بگیرد و یاد بدهد .

Alefbāye āsān rā yād bgirid va yād bedahid

الفبای آسان شاه راه رستگاری ایرانیان است .

Alefbāye āsān wāhrāhe rastegārie irāniān ast

هرگز غسته و ناامید نشوید

hargez xaste va nāomid nawavid

ترقی و تمالی آن نیز از بدیهیات است . بیون خانه دوم هر فرد میباشد شما مادام که در ترین خانه شخصی باین اندازه ساعی و جاهد هستید سزاوار نیست در برایش

و آرایش خانه جامعه « میهن » که سوم زیادتیر آن نصیب خود و اولادشان خواهد شد بی علاقه باشید . مسجد . مدرسه . جامعه . مغازه باز آید و روشانی . نظافت و سفور است سهام مشترک یک جامعه و یک ملت میباشد هر گونه کوشش و خدمت برای تکمیل و تزیین این نوع وسایل زندگی سبب رفاه و آسایش و کامرانی خود و هم پیمانتان خواهد بود .

ای کسانی که متکبر هستید هر یک در در محل خود بفکر ترقی و تمالی میهن باشید تا از این نویدی بهره نمانید **حُب الوطن من الایمان**

دزدی است یا دخل؟

بابه از منعه ۱

چیزی از ماموریت آقایان نگذشت که گزارش های متعدد اشخاص هلاکتند با ملاحظات مرتباً با اداره روزنامه رسید و از طرز عمل آنان اظهار رضایت کردند . مطالب در موضوع های بازرسی شده بسا نوشتند که چند موضوع از آن را که جالب توجه تر است ذیلا مینگاریم از سقز شروع میکنیم .

۱ - موضوع مازاد اهالی در سال ۱۳۲۳ -

اداره کل غله بوسیله اداره غله سنتج بسقز دستور تلگرافی داده بود که هر کسی گندمی با نیاز دولت عرضه میکند اداره غله موظف است که آن گندم را از فراری نن . ۲۶۰ ریال خریداری نماید . اداره غله سقز میبایست مراتب را بوسیله انتشار آگهی با اطلاع اهالی سقز و کشاورزان برساند . غله سقز آگهی در شهر منتشر نیکند بلکه بوسیله چهار نفر که سه نفرشان دلال و موسوم به اخوان و اینی و بهار است و یک نفر رمضان برادری نام که بازرسی غله سقز بوده شروع بخریداری میکنند .

در حدود چهارم تن غله در بازار آزاد از قرار هر بوط ۲۲ تا ۳۵ ریال شرح روز خریده و هر بوط ۴۲ و ریال و کسری بحساب دولت منظور مینماید (۶۰ بوط یک تن میباشد) و بدین ترتیب مبلغ ناچیزی در حدود پنجاه هزار تومان استفاده مینمایند .

وقتی در چگونگی آگهی دقت میشود معلوم میگردد که یک نسخه در پرونده موجود است پس ظاهر امر پرونده نشان میدهد که آگهی شده اما از هر کسی سؤال میشود ثابت میگردد که کسی آگهی را چشم ندیده است چگونگی بودن آگهی در پرونده و الصان نشودن آن در شهر که سؤال میشود میگورند آگهی وسیله پاسبان در شهر الصان میشود ولی دفاتر رسید آگهی ها و دفاتر دیگر نشان نمیدهد که این آگهی پاسبان داده شده باشد و قتی که کتب موضوع از شهر بانی محل سؤال میشود جواب منفی میدهد که چنین آگهی از طرف اداره غله سقز فرستاده نشده است

ده نفر از اهالی سقز که خودشان فروشنده گندم هستند احضار میشوند جواب هایی که راجع باین موضوع میدهند عدم اطلاع آتان را از آگهی ثابت و بعلاوه اظهار مینمایند که قدغن شده بود که ما مستقیماً گندم را بشمارهات میاورده و موظف بودیم گندمها را بجهان نظر فوق الذکر بشویم .

اما طرف دیگر بیاجازه رئیس غله هر روز پول از صندوق دولتی تحویل دلالهای فوق الذکر میشده و اینها گندم را خریده در آخر وقت مازاد را تقسیم میکردند . حق العملی که بدلالها داده می شد از قرار بوطی ۱/۵ تا ۲ ریال بوده است .

۲ - تعهدات اشخاص

اشخاصی که تعهد تحویل غله با اداره غله سقز داده بودند از طرف کارمندان اداره احضار و با آنها گفته میشد در صورتیکه میخواهید تعهد خود را انجام ندهید فلان مبلغ بدهید دیگر موضوع را نسبت نخواهیم کرد از این راه پولی از مالکین گرفته میشد و از طرف دیگر گندهای خریداری شده دلال هارا بحساب تمهیدی آتان منظور می کردند بنا بر این دفاتر تحویل شدن میزان تمهیدی را نشان داده و از حیث عمل بحساب آوردن گندهای خریداری شده دلالها و شرکاء تسهیلاتی فراهم شده بود .

۳ - آسیب دیدگان با نه

ببجای آنکه دیدگان با نه از طرفی خانه و هشتاد و پنجاه آوری شده و چیزی هم بدستشان نرسیده است . مرکز دستور میدهد که از وجوه امانت ۵۰ تن گندم خریداری شده بیانه فرستاده شود دفاتر انبار خارج شدن ۴۳ تن گندم را باین بهانه نشان میدهد ولی از جانبین آن که باید خریداری شده با انبار ریخته شود اتزی نیست . و ندان ۴۳ تن را از سرک جاشین کرده پول آرا یک قلم بلبیده اند اینهم مبلغ ناچیزی بوده (در حدود بازده هزار و کسری تومان)

۴ - موجودی دانه مرغ و کزل انبار

موجودی انبار وزن شده و طبق صورت مجلسی که با حضور خود کارمندان مشمول تهیه شده در حدود ۱۵ تن کسری نشان داده اینهم یک رقم کوچک دیگر ۱۱ « بقیه در شماره بعد »

بنام آقای سلیمان یونسی لیسامبه ستون

گرمانشاه متروک

-۶-

اگر بددلی پیشه گیرد جوان

بماند تنش پست و تیره روان
در مقاله پیش مندر کرده ایم که حفاظت
و حراست هر کنشوری از وظایف حشبه
جوانان رشید و فداکار و پیران مدبر و
وسایاننداران لایق آن میباشد.

و شناختن کرداریم که بدون داشتن
این فوقه فعال نگاهداری حدود و تنور
آن مواجبه بانسنتج و اشغلال خواهد شد.
و چون جوانان در آن فداکاری سهم
بزرگی دارند از لحاظ اینکه خود هم از
طیقه جوان هستیم و غاهد بعضی روزه های
ناشودنده عهده از آنان بیاشم که مانع از
ایفای وظایف مقدس آنها میباشد لازم
دانستم بلکه مطالب سودمندی مبادرت
نمایم تا شاید مفید قایت واقع شود.

بطوریکه گذشت برای جوانان هر
کشور که وظایف مهمی برعهده دارند
ضروریست که از کلیه اخلاق رذیله
حذر کرده و متصف بصفات حسنه باشند و
خود را بعدا کمال اصلاح نمایند.

برای اینکه خود آرازی و بزرگ کردن
و تبخیل برداختن و برای اطفاء نامرغوبت
در خیابانها دنبال این و آن دویدن و وقت
خود را که گرانها تر از طلاست بیهوده
بهدر دادن جز زوال و اشغلال نتیجه -
دیگری نخواهد داد و با این رفتار های
ناهنجار هم هیچ جوانی قادر ب حفظ حدود
و تنور کشور خود نخواهد شد و بتجربه
ثابت شده است اینگونه اعمال نگرهیده
خانواده ها و حتی ملت ها و کشور گشایان
بزرگ را از پا در آورده و آنها را بنیستی
و نابودی سوق داده است.

مثلا در زمان آستینک جانشین کیا کسار
(از سلسله مادها) که در بازی میلل و
باشکوه برای خود دوست کرده بود و
خود و ملتش جز پنجول خود آرازی و تنبلی
و بیعاری بکار دیگری نیبیداختند سبب
شدند که دولتی معظم چون مادرا از پای
در آورند و واسطه اعمال و سستی آنان
بود که در سنه ۵۵۰ ق.م این سلسله بدست
گوروش کبیر منقرض گردید.

بنابر این بقیده نگارنده از ماجوانان
که عهده دار نظم اجتماعی عصر حاضر
هستیم باید اصلاحات شروع گردد و بددلی
و بیخردی و جبن را کنار گذاشته خود را کاملا
اصلاح بنماییم و برای تیل باین مقصود بیشتر
است همیشه فرمایش حضرت علی (ع) را که
بمیرماید :

من اصلاح بینة و بین الله اصلاح
الله ماینة و بین الناس

گو فتو گوئی دلزار له گه ل دل

دل :- دل دلمی دلزار له بوچی سینه کوره ی آگری ؟

بوچی فرمیسکت به سروی به جری ایبض ناسری ؟

بوچی داری خه م به ته وری که یف و شادی نابری ؟

بوچی به رگی ز له تت سه ر تابه خوار دانا دری ؟

بوچی ریگه ی ره وشه فی ژنی به رز دانا گری ؟



دلزار نهی دلا بای به حر و بهر نه شکم و وشک نا کانه وه

باخی ره نکین فه له ستین دل که شبم نادانه وه

کیوه که ی قودسی موقه ده س میخه نم نا باته وه

حه سر نهی دو وره وه نن خونینی جگه رده خوانته وه

ناعیلاجم خه م ده خوم کهس خه م له بوخوی ناگری



دل :- باشه که رتو راست نه که ی بوچ نه وخه مهت به ید داده کرد ؟

بوچی له و باخی به هه شتی کورد که له تحاشاده کرد ؟

بوچی به قسه ی ناحه زو به دخوت وه هار سواده کرد ؟

بوچی سیزه ی خوت له خاکی غور به تا تو وناده کرد ؟

ره هبه ری لای خوت له زور که س ماهر و زانازی



دلزار :- که ر مقدرهات مرویی هوش و نایبانه بی

سه دهه زار جار مور شدوره هبه ری هه رگو مراده بی

راسته ریش بگری که لی جارتووشی چالی واده بی

دوو به سی عو مری له ناویا به خت نه کاو تو و ناده بی

چه شنی مردوری دی به سه ره رچه ندبه دیمه ن نامری



اثر طبع احمد دلزار - اقتباس از ده تنگی کنی تازه شماره (۶)

پلی کلینیک تهران

پلی کلینیک تهران که دارای بخش های مشغله پزشکی است
تحت نظر آقایان دکتر عبدالحمید اردلان دکتر هوشنگ طلی و
دکتر جهانگیر جهانشاد اداره میشود.
آدرس تهران خیابان سوم اسفند اوقات پذیرائی صبح و
عصر .

لحاظ سیاسی حائز اهمیت بسار است اینک حدود مرزی آن با شرح
بیشتری از جنوب به سمت شمال از نظر خوانندگان خواهد گذشت.

(یعنی کسبیکه میانه اش را با خدا
خوب کند خدا میانه او را با مردم خوب
میکند) در مدنظر قرار دهیم و اینهم در
صورتی امکان پذیر است که جوانان دارای
علم و معرفت و اخلاق نیکو و اعلی ستوده
بوده و از تمام رذایل اخلاقی و افعال ننگر هیده
بر کنار باشد.

و در این حال است که اجتماعات توده
جوان که اساس آن بردوی حق و فضیلت
استوار گردیده است بپنهای ترقی و تعالی
خود خواهد رسید و هیچ سد سدی در
مقابل آن پزارای مقاومت نخواهد داشت
و کشوری که متعلق باینگونه جوانان است
بپشت برین خواهد شد و چون جوانان
گرمانشاهی از اخفاد فرزندان پساک و
نجیب قبایل و عتایر رشید ایران هستند
بایستی در حفظ این سنن بردیگران سبت
جسته و آثار بر خنمه و خصایل نیک پدران
خود را سرمستی شویش قرار دهند تا اینکه
حدود و تنور کشور و مصائب فراوانیکه
برای ملت ستمیده ایران پیش آمده است
در اوای رشادت و هجاعت و از خود گذشتگی
از تعرض خائزین و مردوران اجانب مصون
و محفوظ بمانند.

بنا ببقدمه فوق برای اینکه از حدود
مطلب خارج نشویم بذكر حدود و توابع
گرمانشاه میپردازیم.

شهرستان گرمانشاهان که طبق اصلاح
قانون تقسیمات کشور مصوب نوزدهم دی
ماه ۱۳۱۶ جزو استان پنجم میباشد در
تلات باختری ایران واقع و شهر گرمانشاه
۵۶۰ کیلومتر از تهران فاصله دارد و در
۳۴ درجه و ۲۰ عرض شمالی و ۴۷ درجه
طول شرقی است.

سابقا یعنی در زمانیکه این شهرستان
مرز آشور - عیلام - بابل و ماد بوده و
قبایل آدین تشکیل دولت واحدی نهاده
بودند و با ملوک الطوایفی امرار حیات
مینودند . قسمت شمال این ولایت -
(مامبری) قسمت خاوری (خارخار) قسمت
مرکزی (ایلی بی) قسمت جنوبی ایلام و
قسمت باختری آن گوسنی نام داشته است

(این قسمت از کتاب جنرفایای نظامی
ایران اقتباس شده است) و اکنون حدودش
شرح زیر است :

از شمال محدود است به کردستان
(کوههای حدفاصل رود دیاله و گاماسب)
از جنوب به لرستان (کوههای کلهر)
از مشرق به همدان (کوههای کنگاور)

از مغرب به بین النهرین
نظر باینکه آشنای بس مغرب این
شهرستان که محدود بمران عرب میباشد از

علم انای محمد مردوخ (آب تاشه کردستانی)

گرد و گردستان

-۲۰-

«سنه اردلان»

فالتین سارقر، العین منبسا والذک انیل
 بالانیال منسکا . علاماصبح بدعزه الوری
 هیکا ورینانحو اعیاً عدملکا باسطیباط
 العدل ولاانصاف ومانع اساس الجور و-
 الاعتراف . منیع الجود، السعاع وصدق العلم-
 والعباء . والی لواء اولان فی الافان ومالک
 سربر السلطنه بالاستعناق . الی الی این الوالی
 والی والدشان خان احمدخان اردلان پادشاه
 بالاستقلال ممالک کردستان . صانه الله تعالی
 عن طرارق العدنان و متعابد و دوله
 وقوام شو کته الی الدیدالزمان بحق محمد و
 آله الطاهره و بشرق سورة البهارحقة
 العاتقه .

خان احمدخان پس از حصول بیبودی
 از مرض بدون درنگ اظهار اطاعت سلطان
 مرادخان سلطان عثمانی نموده . از اطراف
 قشون خود را جمع آوری کرده در سنه
 (۱۰۴۱) شروع بناخت و تاز در خاک ایران
 می نماید .

در قایل مدتی کرمانشاه و سفر و
 همدان و گروس و خوی و ارومیه را جزو
 متصرفات خود ساخته و در آنجا حکام گذاشته
 و بنام خود سکه زده است . و در معابر و مساجد
 نیز خطبه بنام او خوانده شد و مدت پنج
 سال سلطنت کرده است .

خطبه که در روز جلوس او بر تخت
 سلطنت در قلعه حسن آباد قرائت شده
 خطبه ذیل است که مرحوم شیخ شمس العین
 خطیب فاضل شیخ بهاء القار مردوشی (اعلی
 جرمولف) در موقع انعقاد سلام اثناء قرائت
 نموده و این اولین خطبه است که در کردستان
 اردلان قرائت شده است .

الحدث الی اعطی لرسالت علی
 البریه احمد المنار . وایده بالناج و
 المراج علیه انواع الرموز والابرار
 أرسله رحمة العالمین ان لی ذلک امیرة

ولی الابصار و سلطه علی كافة
 البشر ان الانسان لظالم کثیر شرف
 ابانا آدم شریفه انی جاعل فی الارض
 خلیفه و بیته بنحیلا .

و کریمه بکریمه و اند بنی آدم علی
 کثیر من خلفنا تضیلا و الصلوة والسلام
 علی سیدنا احمد النبوت علی الاودو
 الاحمر و علی آل و اصحاب ما ازهر شجرو
 انزالدی ضمت جباه الجابره لسی عنته
 العزیزه بالمشرو الاشراف و توجهت وجوه
 الاکسرة الرسة نه السنیة من جمیع الافطار
 والافان .

خصوصاً سلطاننا الی ابصر ابار
 آماننا بنور حدقه جلالة و جمالها و ازهر اشجار
 احوالنا بنور حدیقه عطائه و نواله .

تخرجت بجمال بدر صورته القبول و
 الانعام . و تخرجت من کمال شمس سیرته
 النورس والواوهم نظم امور ممالکنا ساه
 التائب و اصاح مصالح اماننا بر ایه الصائب
 خلیفه ملک الامان سطوته و العن ملکات مدانة
 ابسلکنا .

بعوم حول داره المومون کنا . تری
 الصبح بیت الله متبرکاً یعنی تسبیح رضی
 منة الزمان و کم . مکافح لظنی من سخطه
 هلکا اطار صافنه من سده فیها . الی السبات
 لواء الشرح سکا . و صابغ الرشده منها
 کل معسف قدکان فی ظلمات الی منهکما

چون خدایان اوضاع بشاه صلی میرسد
 سپاه انبوه بسرخاری زال خان و سیدوش
 خان برای دفع خان احمد خان اعزام میگردند .
 خان احمد خان تضرعاً به سلطان مرادخان اطلاع
 داده از طرف سلطان روم هم توجیه و پادشاه
 پادشاه سوار بکند و اردو میگردد . در
 ۲۷ ربیع الاولی (۱۰۴۶) لشکر روم و قتل
 یاش در کنار دریاچه مر یوان تلافی نموده
 در ۶ ربیع الثانی لشکر روم و خان احمد خان
 شکست خورده فرار میکنند .
 خان احمد خان با جمعی از امراء و
 سرداران خود بیوملر رفته . دارالملک خود
 را موصل و کرکوک قرار میدهد سلبانیه و
 شهر زور را هم تحت تصرف داشته است .
 سلطان مراد بن تقاس این شکست در ۳
 رمضان (۱۰۴۶) لشکری مرکب از شش
 فوج بنیاده نظام چهار هزار سوار (علاوه بر
 لشکر خود خان احمد خان) در تحت فرمان
 دهی خسرو پاشای سرعسکر . مامور تسخیر
 عراق و کردستان مینماید .
 شاه صلی هم که تضرعاً دستخیز میشود .
 زینل خان سپهسالار هاملوئی را با سپاهی
 بزرگ روانه کردستان مینماید . خود شاه
 صلی پشت سر اردوی مذکور با لشکر
 جراد بهمدان می آید . زینل خان سپاه خود
 را با شتاب به ریوان رسانیده خسرو پاشا
 هم که خبر ورود اردوی ایران را به ریوان
 میشود قشون خود را به انجا کشیده با اردو
 در جنگ مر یوان نایره جنگ مشتمل میشود
 پس از قتل و کشتار زیاد و تلفات خارج
 از حد انتظار . اردوی قزاقش ایران شکست
 خورده روی بفرار می نهند چون لشکر
 شکسته بهمدان میرسد . شاه صلی زینل خان
 را ذهن توبی گذاشته و خود حاضر کار زار
 میشود .
 خسرو پاشای سرعسکر هم در تعاقب
 اردوی شکسته وارد سهند میشود .

بک خزل از زاری

قومینه ورن امدمه با سیر و صفایی

دوری اغمو جور و جفا و روزی و فابیی

کو بیبوه بک دفعه و کو گلاره چمندا

هر دنک نی و جام می و بذل و عطایی

بی خار خفت مجلسی وک عقده پروین

آعاده به بی غصه و بی درد و بلاایی

یا ز بی رقیب هر و کونا ساقه همیشه

بی هیز و زیون بیتو گر ققاری فزایی

او آوه سکندر گره کی بونکه نمی بی

امرو که شیولی و کو دریای سیا بی

ای روح روانم و ره بوزلفه دریزت

بی بستوه ام دلعه نکا عقلی نما بی

او خضره که ام پیشه به پوشانی اتودا

بو مانی همو خاصی خدا دسته دعایی

ار زانی کلی نازک و تیر اوی وجودت

لطف و کرم و مرحمت و حفظ خدایی

بودفع بلا یو قدمه رعنا ته و تو مه

کیان وبدن و دولتی زاری بقدایی

این غزل را آقای عبدالله قیس اله بنگی از سفر ارسال داشته اند .

سندج

آگهی

صارت ملکی اینجانب بنام «خانه های مرحوم مطایبه خانم»
 که از بناهای معظم و درجه اول کردستان میباشد و سابقاً در اجاره
 دارائی بوده است پس از تعمیرات کلی با جاره داده میشود طالبین
 مراجعه فرمایند .

عباس آزادپور

پس از یکشب توقف رو بهمدان حرکت کرده بمغزه اسفند
 آباد (قلبرو علی شکر) که میرسد می بیند اهالی این مغزه بامرشاه
 صفی هموما کوچ کرده در سر راه بک آبادی برای تهیه ذخیره و لوازم
 اردو باقی مانده است .

ناچار اردو را بکسره بحال در گزین میکند در آنجا دو باره
 آتش رزم مشتمل شده . اردوی خسرو پاشا بواسطه فقدان ذخیره و
 مهمات معکوم به شکست میشود . و بطرف بغداد رهسپار میگردد
 شاه صلی پس از آنکه خسرو پاشا علی خان پسر میر علم السین . نوه تیمور
 خان اردلان را که در آن هنگام جزو خدمتگزاران شاه صفی و محل
 وثوق و اعتماد او بود . حکومت کردستان داده باجمیت مختصر او را
 روانه سهند و شهر زور مینماید .

بقلم ر. ش
از سفر

حافظ ارخصم خطا گفت نگیریم بر او

و ربحق گفت جدل با سخن حق نکنیم

توقیف نامه کوهستان ما را بسی افسرده نمود و رفع توقیف از آن جانی تازه بکالبد ما بخشید. هر کس از دیگری مبررسید کوهستان را برای چه توقیف شد و هر کس میخواست برای توقیف آن دلیلی بپراشد ولی هیچکس بالاخره فهمید این توقیف برای چه بوده

اگر توقیف روزنامه اشتباهی بوده که فعلا بحثی جایز نیست و اگر اعمال زور حریف قوی پنجه آورده آنرا هم به مصداق «در کف شیر نه خونخوازه» غیر تسلیم و رضا کوچکوارانه باید کنار گذاشت ولی اگر بحق بوده مصداق مصرع دوم شعر اول است باید در تیز حق از باطل قدری بحث کرد

کردهای روشنفکر و منصف که یکی از آنها نویسنده نامه گرامی کوهستان است اذعان دارند که در میان اگر ادا وطن پرست و مجبور اشعاری هم یافت میشوند که مضر و غارتگر و بی عاطفه اند و این عناصر اکثراً مورد نفرت عمومی هستند زیرا در درجه اول ما کردها در معرض غارتگری و آشوب طایفی آنان واقع شده ایم و ضررهای آنان در درجه اول متوجه ماست. ولی اینها نیز باید گفت محکمی دارند که عبارت از مامورین خائن دولتی هستند که برای استفاده خود نیروی بزدانی را بشکل نیروی اهریمنی بکار برده خیال و عادت مفسد جوانان آنان را بنفع خود و زبان ما و دولت تحریک مینمایند.

اگر درست دقت کنیم و انصاف را اذ دست ندهیم خواهیم دید که تمام مناسبت و خرابی ها از این مامورین نادرست سرچشمه میگردد چه میشد اگر این مامورین بجای کوشش در تطبیح و تحریک آنها بنظور استفاده خود از راه اصلاح و نصیحت در میآمدند.

حال که آنها بوظیفه واقعی خود واقعی خود عمل نمیکنند اگر روزنامه ای

نوشت اینها عمل غلطی میکنند و اگر نوشت باید دست اینها را کوتاه کرد باید توقیف شود آیا اگر چندین نفر که دارای وجدان پاک هستند فریاد زدند باید مظلومان را تحت فشار نیاورد باید تهدید شوند آیا گنوی حق را باینچه ظالمانه باید قشر و آنها را خفه و نابود کرد؟

آیا شخصیکه خود را نایبند ما معرفی می کند و باید از مدافع کند باید به دست واگره کرده نمره بکشد و بگوید روزنامه کوهستان از شما دفاع نخواهد کرد و نوشته های نامه کوهستان مورد اعتقاد نیست یعنی رفع ظلم از این منطقه نباید بشود آیا این شمس نیفید اگر ما گفته های او را باور کنیم و قبول کنیم که روزنامه کوهستان از ما مدافع نمیکند بطریق اولی کاسه از آثر دهن سوخته تر بودن او را قبول نداریم. بیچارگی از هر طرف بسوی ما روی آورده آنکس را که از ما دفاع میکند میخواهند بید خودم معرفی کنند و آنکس که ما را یا بیهوش بپوشانند متناجد خودش فرار داده میگوید من خادم شما هستم. ما هم همینطور می ایستیم و اوضاع را می نگریم و افاده فروشی این جزوهای بی جهت را قبول میکنیم و از حق خود دفاع نمینماییم.

و اما این وکیل شایسته است هوا خواهانی هم داشته باشد و انما لازم است همه ای یازو هم داشته باشد و انما لازم است زور سر نیزه از او پشتیبانی کند تا ما ملت مفلوک آخرین دمق خود را هم اذ دست ندهیم.

ای مردمان ستر قدری هوشیار باشید و سعی کنید حق را از باطل تمیز دهید.

کوهستان - ما از تبلیغاتی که جناب آقای حبیب الله محیط نماینده محترم ستر در باره نامه کوهستان فرموده اند متشکریم انشاء الله بوقع از ایشان سپاسگزاری خواهیم نمود.

در گذشت شادروان امیرانی (تاجر باشی) را در بیجار به عموم خاندان امیرانی بخصوص آقای کافی السلطنه و آقای علی اصغر امیرانی مدیر نامه خواندنیها تسلیت میگویم

کوهستان

ستر انشاء الله تعمد نبوده !!

بقراری که اطلاع رسیده شماره ۷۷ کوهستان اشتباه از طرف پاسبان ها از دست فروشندگان گرفته شده جمع آوری گردیده لازم است خاطر نشان شود این اشتباهات یا تعمد ها موجب خواهد شد تصور نمائیم سوء نیتی در کار بوده لازم است روسای منزل توجه و وظایف خود را بر عهده بیهوده زاحمت مردم را نخواهیم فراهم نمایانند

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۳۲۴/۷/۲۱ بانوزهر (سیاه بادام) باستاد بکیرک کواهینا و رو و شت شناسنامه دادخواست بشماره ۱۱۱۹/۱/۲۴ داده باینکه مرحوم معد علی فرزند جراحانی در تاریخ ۱۳۲۴/۱۲/۱۸ در تهران جایگاه هیشکی خود وفات یافته و متقاضی مادر و آقای مهدی بسرو بانو بتول زوجة دائمی متوفی و وراثت منحصراً میباشد پس از شنیدن کواهی کواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روز نهم رسی کشور شاهنشاهی روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر این آگهی و نبودن معترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز والا هر وصیتنامه غیر از رسی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۱ رئیس دادگاههای بخش تهران - احمد زین نعل

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۳۲۴/۴/۱۸ - آقای غلامرضا (زری باف) به شناسنامه شماره ۳۳۱۸ به استناد بکیرک کواهینا و رو و شت شناسنامه دادخواست بشماره ۴۳۳/۱/۲۴ داده باینکه مرحومه بانو بتول ۵ میرزا حسن ۵ داده شناسنامه شماره ۲۰۰۶۶ در تاریخ ۱۳۲۴/۲/۲۱ در تهران جایگاه هیشکی خود وفات یافته و متقاضی شوهر و آقایان محمد (زری باف) شناسنامه شماره ۱۵۵ و حسن (زری باف) شناسنامه شماره ۸۴ و بانو دود زری باف شناسنامه شماره ۴۶۲ و احمد زری باف ۵ شناسنامه شماره ۱۱۶۴ پسران متوفی و وراثت منحصراً میباشد پس از شنیدن کواهی کواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در روز نهم رسی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز والا هر وصیت نامه غیر از رسی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

رئیس کل دادگاههای بخش تهران امامی اهری ۳-۳

اگر میخواهید آگهی های شما در کلیه نواحی کرد نشین منتشر شود برای چاپ به روزنامه کوهستان ارسال دارید.

.....

مشترکین محترم ستر میتوانند وجوه اشتراك خورا توسط آقای کلاهی نماینده نامه کوهستان ارسال دارند.

باده ها و نگرافات رسیده

نگراف از اشنوبه

جناب آقای نخست وزیر، رونوشت
 هفتاد و سه نفر کله دغالیات رونوشت جناب
 آقای صدر قاضی رونوشت آقای محسن
 صادقی افشار نایبند مجلس رونوشت روزنامه
 کوهستان از آنجا بکه رامزنگی و تاجین
 معاش و گدوان سالیانه فدویان کشت کاران
 بخش اشنوبه و توابع منحصر به محصول
 توتون بوده و میباشد بطوریکه متوالیاسال
 ۱۳۰۷ الی ۲۳ کیسیون خرید توتون در
 اشنوبه بوده و با سود کمی محصول خود را
 با بیار دولتی تحویل داده و نظریه نمون
 که از طرف دغالیات بهاء ابلاغ کیسیون
 خرید طبق انتشار آگهی رسمی در موقع
 خرید توتون داده و فدویان در مقابل تعدیل
 ضمانت بسیار و شرح های گراف مرغوب
 ترین توتون را بقرار سنوات گذشته تهیه
 که با بیار دولتی تحویل نمایند .

در موقع آقای فرهادی و نیک روی
 یا چند نفر آتایان به آباد بلاعظ صرفه
 شخصی همراه شده که محصول مارادو کیسیون
 خرید مه آباد خرید کنند .

هریک دولت علیه آن رای صادر باشند
 را قابل قبول شرد پس پاداش تشویق
 دغالیات از حیث کشت به فدویان ابلاغ کرده
 چه خواهد بود .

چون تنها مرامر از معاش کشتکاران
 این بخش محصول توتون است استعدای
 حاضران داریم امر فرمائید در محل خریداری
 شود که دو هزار نفر کشتکاران اشنوبه
 امیدوار بمرام دولت خود باشیم
 نمایندگان چهار نفر بقرار ذیل است:

قاضی محمد خضری - عبدالله قارونی -

رخش زاده - سعید ابراهیمی .

از کردند

جناب آقای نخست وزیر کبیله
 مجلس شورای ملی کبیله وزارت کشور
 کبیله آقای سید شیاه الامین طباطبائی
 کبیله آقای دکتر مصدق کبیله آقای ساسان
 کبیله آقای دکتر زنگنه کبیله جمعیت معالی
 کرمانشاهان کبیله روزنامه ستاره کبیله روز -
 نامه کوهستان کبیله روزنامه آذرو اخیرا
 شنیده میشود وزارت کشور برای تامین
 نظر آقای عباس قبادیان کلهر نماینده مجلس
 علاء بر اینکه فرمانداری شاه آباد را
 با آقای خسرو قبادیان برادرش و چندین بخشداری
 را بکسان او داده در نظر گرفته بنا بر امر او

مشارالیه الهی مهرانی که مردی بیسواد

و بی اطلاع و فاقد اصالت خانوادگی و
 معروفیت میباشد بخشداری کرده متصوب
 نماید تصور نمیشد تا این اندازه قوت
 مقدرات ملت مستبدانه را هدایت می نماید
 اشخاص نامداری خوانندگان حضرت بوجدانا
 قضاوت فرماید. و به بدبختی و اوضاع
 اسفناک این یکدمت ملت بیچاره مطلع و
 واقف باشید که نماینده ملت. ای فراهم
 کردن مقدمات دوره پانزدهم و کات و
 اصلاح امور شخصی خود و دولت برای
 جلب رضایت و تشکیل مزدور چه بلاهایی
 پس ملت بیچاره روا میدارد اگر قوانین
 ملکنتی و سایر خدمت قابل رعایت و اقدام
 نیست و آقای عبدالعسین جاتی مالک کرده
 هم حاضر بقبول شغل بخشداری نیبشاده

اشخاص دیگری را داریم که بخوبی از عهد انبسام شغل
 بخشداری بر میآیند و اگر غیر این است چه باعث شده است که مرد
 بیسواد و فاقد اطلاعات و حتی تکلم زبان فارسی و سابقه خدمت
 دولتی بخشداری کنند متصوب نمایند استرحاما استعدای عاجزان
 دارد که از انتخاب مشارالیه بخشداری کردند که باعث تک گزیدهها
 و موجب نفاق و دوپیت است صرف نظر فرمایند .

اهالی کردند : فلاح شهرباری - سلیمان ملک نیازی - عیدان
 ملک نیازی - عزیزالله انابکی - فتح الله انابکی - امامقلی یوسف
 شام. سعید بزدانی - سالار نظری - حیدر خاموش - عبدالله رحمانی -
 دنابال شکرانی - عزیز زو کرمان - اکبر جاتی - سلیمان زو کرمان -
 خداوری صالحی - کلیدنی حریریان - حسین قلی محسودی -
 پدر شرعانی .

از سقز

مجلس مقدس شورای ملی دو نوشت ریاست محترم وزراء
 رونوشت وزارت کشور و رونوشت وزارت دارائی رونوشت اداره کل
 انحصار دغالیات رونوشت آقای محیط رونوشت نامه کوهستان
 رونوشت باستان. با پریشانی و مفروضی و فلاکت زدگی این منطقه
 و نارسایی شکر و چای و قماش کوپن و کرانی اجناس که وارد میشود
 وارزائی محصول زارعمین از روی اقتدار و ترحم دولت و بیچارگی
 اهالی در قیمت توتون بدل مساعدت و توجه مغفوس شود قاطعه
 اهالی ملکیت مخصوصا زاروع بدبخت که علاوه اوزائی قیمت توتون
 بر اثر تگرگ و باوان بی موقع تلفات بی اندازه بزراعت توتونشان
 وارد گردیده باید آنچه دارند بطلبکار بی انصاف تحویل داده و
 خودشان از پریشانی و بی چیزی آواره و متواری گردند بسته به
 ترحم و عاطفت رحمت پروری اولیای محترم امور است .

الداعی شیخ جلال الدین نقشبندی

از روانر

نامه جلیله کوهستان تهران - آقای جمال الدین مشیری در
 مدت اقامت خود در روانر کاملا با اهلای و وظائف دیانتی و وجدانی
 مشغول فعالیت ایشان در مورد اخذ تمهیدات غله و تحویل جنس و
 پرداخت بهائی آن بطور اکمل موجب رضایت خاطر ابعجاب طاهر
 هاشمی مالک فرامدولت آباد و مهرآبی و گستر علیا بوده بدینوسیله
 وجدانا بنام دروست ثاری - عفت و جدیت از ایشان تقدیر مینمایم
 کواهی میدهم که بکثیر مأمور صحیح العدل و باوجدان میباشد .
 طاهر سید زاده هاشمی

اسیر غیر از اطاعت چاره ای نداشتند اما متاسفانه این ثوب فقط ۲۷
 کلوله داشت .

در این جنگ نماینده جدید ارمنیهای مهاجر و اهالی که در تشون
 نزاری روس درجه اسیری داشت برای مشاهده حمله متویرانه آزاراتیها
 در رقافت فرمانده کرد آمده در یکی از تپه های بلند شیخو یادورین خود
 وقایع فوق الذکر را ناظر بود .

فرمانده دسته ای که بیرون دش حمله میکرد فرزندان بیک بود مشارالیه
 در حمله اول زخمی شد معاوش نورو پسر دلور موسی برگی کشته شد
 نظامیان در وسط چهار دیواری که ساخته بودند جای گرفته دفاع مینمودند .
 پس از اشغال برون سوربری حسگی باده کمی بطرف کوه توپیس
 بالا رفته از بالای پیاپین بکمک مهاجمین برون دش شتافت .

مجاهدین که با مجروح شدن فرزند و کشته شدن نوردوی سرپرست
 مانده بودند بروی حسگی را قوای امدادی دشمن پنداشته معاشره را
 ترک وبست آزارات عقب نشینی کردند
 این دسته وظیفه مهمتری از انلع سلاح نمودن نظامیان برون دش را
 برعهده داشت ولی متاسفانه از اول در اجرای دستورات فرماندهی اهنال
 نوده بودند .

از این دست قرار بود عده چهل نفری سوار از شب قه کوه توپیس
 را اشغال نموده شهر و قلعه بازر و گردنه شیطان را زیر گلوله های
 خود بگیرند .

بعد از تمام شدن کار برون دش فرزند باقوای خود بنله مذ کوره
 رفته از بالا پایین بگردنه شیطان و شهر بازر حمله کتده این چهل سوار
 تا نصف راه رفته بودند یعنی تپه بالای نوره شین را گرفته ولی به قلمرود
 نکرده بودند .

بود. دسته فلو عداوت ایستگاهی که در وسط منطقه برون سوروا بستگاه
 بازرید واقع بود اهنال و سدرهای در جنوب قوای گدگی دشمن بوجود
 آورده بود راهی که سبل های مهاجمین ترک هر قدر هم قوی باشند نمی
 توانستند رخنه ای وارد کنند .

اسواران ترک در پشت تاش برون جمع شده جرات پیش روی
 نداشتند . اعلام خطر کنواهای مسلسل فنورادیتوانستند بی اهمیت بندارند
 فقط از دور مشغول تماشا ای اهدام نظامیان خود بودند . با اهنال لغزش
 و خطای کوچکی در وضع مجاهدین به بهای خون همه آنان تمام میشد .
 راه عقب نشینی سطح و هوار و غلغل خطرناک بود . مواضع نظامیان با لکس
 در بالای تپه بلند واضح و کاملا مسلط بر معوضه مذ کوره بود بنابراین لازم بود
 کاریگری شود .

در این بهر حمله جنگ دوسوار کرد از بل سنگی شیخو مستقیما
 باسقامت نقطه جنگی تاخترند . هر چند گلوله های تفکر مسلسل های دشمن
 از استنبال این دو سوار کوتاهی نکرد لیکن اگر واقعا میدانستند که
 از این نوعی خود فرمانده کرد و دیگری بروی حسگی است به بهای
 جان تمامشان هم اگر تمام میشد نمیتوانستند این دو جوان بدر برند . کمی
 پس از رسیدن این نوسوار به تپه ببرد خانه یافت . تلفات نظامیان زیاد
 فرماندهشان هم جزو کشتگان بود. تپه نیز به اسارت درآمده بود. تصادفا
 آخرین گلوله ترکها به سینه پرافتخار عده حسگی حمله سویدی که قلب پناک
 باعاطنه وی آلابش داشت اصابت کرده از پای درآمده .

دسته توپ فوراً باسقامت پادگان ترک در ایستگاه بازرید متوجه و
 بوسط خود توپ ها ترک شروع به تیراندازی نمود . این توپچن های

کوهستان

در تاریخ ۲۴/۷/۱۹۶۶ در جاده « سنندج - کرمانشاه » دو چهار فرسخی شهر سنندج ماشین حامل اتانیه فرمانده لشکر جدید کردستان مورد دستبرد ۳ نفر سابق واقعه شده. یک نفر مقتول یک نفر مجروح و مقداری اتانیه سرقت شده است. محل واقعه بین دو پاسگاه ژاندارمری واقع و در حفاظت گروهان آقای ستوان فولادوند بوده است.

اشخاص مطلع باوضاع کردستان این دستبرد را هادی ندانست عقیده دارند ابندی مخصوصی در کار بوده و بیشتر جنبه تمهید بآن میدهد نه اتفاق انتظار داریم اولیای امور و مخصوصاً اداره کل ژاندارمری با توجه مخصوص این قضیه را تعقیب و تحقیق نمایند.

مجله آینده

شماره ۱۱ - ۱۳ که از مهمترین شمارههاست با مقالات و تراجم به عدالت اینستاد... مسائل اشتراکی - مسئله انقلاب و لزوم تکلیف سیاست از دیدن و نظریه منتشر شده ولی برای نمایندگان و مشترکین در تهران و شهرستانها فرستاده میشود که تفاوت اشتراک سه شماره اضافه را طبق آگهی شماره قبل (۳۰) دیال کاغذ وسط و ۴ دیال کاغذ اعلا) فرستاده باشند.

دفتر اداره خیابان بهاوی - در بند کترانشان از ساعت ۴ بعد از ظهر باز است. تلفن ۳۱ ۵۵ - از خواندن این شماره غفلت نفرمائید.

محل تکفروشی این ستاد و کتابخانههای دیگر

۲-۱

بود که باید اقدامات دولت نتیجه مقالات کافی و بررسیهای دقیق بیطرفانه باشد اگر عملیات بر اساس مقاله کافی و درست انجام گیرد قطعاً نتیجه مطلوب خواهد داد ولی اگر مبنای عملیات یک گزارش غرض آلود باشد کارها خراب تر خواهد شد.

یک عمل کوچک را مثال میآوریم شخصی را بزدان میانه از زند چندین ماه نگاه میدارند هر چه فریاد میکند کسی گوش نمیدهد هر چه او را مینویسند تحقیقاتی از او نمینمایند و یا اگر هم کردند در معلوم شدی تعبیر است باز او را رها نمیکند چرا ؟ برای اینکه این شخص متلاشکامی کرده و تقاضای رسیدگی نموده.

این عمل را چه میتوان نامید کدام قانون و کدام مملکت چنین احوالی را مجاز کرده آیا آمریکا باید شده تکذاب به مملکت خود نماید یا ما ؟

آیا با داندش چنین آمری که این یک نمونه از کوچکترین اعمال تکذاب است قطعاً تغییر مأموریت است یا باید مملکت خود مورد بازخواست قرار گیرد و قانونی بودن عمل خود را ثابت کند.

وقتی رسیدگی در کار نباشد تنبیه و تشویق در میان نباشد هر کس هر عملی را که تابع خود بداند انجام خواهد داد و او را تنبیه برای مردم بزرگترین ضررها را دارد برداشته باشد و تنبیه ترس از تنبیه باشد عملیات بیرویه و فساد و بیوزنی رفته بدین معنیهای مردم و گرفتاریهای مملکت زیاد خواهد شد و تنبیه امید تشویق نباشد دلسردی از خدمت حکمفرما شده.

کسی دیال کاغذ و در دست نبرود و وقتی که این دو اصل هیچکدام رعایت نشد مملکت و فتنه رفته از میان خواهد رفت.

حال اگر اولیای امور واقعا علاوه ای باین مملکت دارند باید این مسائل را مورد توجه قرار دهند ولی چه آنها اظهار علاقه بکنند چه نکنند ما رویه خود را ادامه خواهیم داد اعمال بد و نادر و بی مأمورین را آذکار خواهیم ساخت تا اگر اولیای مسئول از تعقیب قانونی آنها صرف نظر کنند افلاک و سوا می آنها گویند شده و در جامعه منقذ گردند.

اداره کل غله توجه نماید چه اثری باقی میماند؟

بقیه از صفحه ۱

مردگان بی حس و بی اراده میندازند. یکی دیگر از افسران ارتش که چندی قبل بکردستان مأمور شده بود و در بدو مأموریت از شغل جدید خود بسیار ناراضی و نگران بود و کردستان را منطقه نامطلوب با مردمانی بد و جانی و غارتگر تصور میکرد در مراجعت میگفت : « تنها از زمانی که من با خود آورده ام احساسات یک مردمی قدر شناس است که در کلیه مأموریتهای خود در نواحی مختلفه کشور نظیرش را دیده ام حال که از آسای سرتیپ و هوشنده افشار سوال کنیم چه از زمانی که از کردستان آورده ایم و با از خود هر این منطقه که یکسال و چند ماه در آن فرمانروایی و اطاعت و اختیارات کامل داشتید چه یادگار گذاشته اید لایذ خواهند فرمود خلع سلاح عمومی کردم - اشرار و سرگوزی نبودم. نشان دادم که ما در عالی مقام دولت نباید بحرف مردم کوش دهد. مردمان گناهکار او نشان را را بزدان افکنند. از سوه استفاده افسران جانگیری کرده عملیات خارق العاده ای در جبهه جنگ نمودم. شب و روز خواب و خوراک و ... نداشتیم. ابتکار عملیات را شخصاً در دست خود داشتیم خلاصه بیبین خدمت کردم خدمتی صادقانه و در نهایت صمیمیت و شاید عملیات و اقدامات دیگری را هم قمار نمایند.

ولی ما میگوییم ایشان نعم نفاق افشاندند باس و نا امید کامل را در میان مردم رواج دادند نیچه دیکناتور ها پروراندند روحیه مردم را خراب کردند ضررهای غیر قابل جبرانی بخزان دولت وارد آوردند تلفات جانی و مالی زیادی را باعث شدند. ما با تصمیمات درست دولت نهایت موافقت داریم نه تنها قلم و روزنامه خود را در راه بهبود اوضاع و اقدامات بلکه اصلاح طلبانه دولت بکار خواهیم برد بلکه اگر لازم باشد جان خود را نیز حاضریم تا در وطن کنیم ولی همین میزان هم با اقدامات بی مطالعه و زبان بخش دولت معالقم. از اول ما این عقیده را داشتیم و در این عیسده هم راسخ خواهیم

مجلس شورای ملی و نوشت کلی غله رو نوشت کوهستان و نوشت اطلاعات رو نوشت مدهج اقتصادی. اضافه انبار غله سبز با سم نصرت الله محمود وزیري برك شریه مادر ، رئیس شعبه پنجریک کارمندان قینغ بضر ب ، پاد ابوم آرا با مضای اینجانب رسانده. طی ۱۷۹۴ بنام معضیات اداری از خدمت برکنار چون تامین جانی نداشتیم مستندج حرکت تقاضای رسیدگی مینمایم.

مصدی بازرسی محمد صبیح کوهستان - صرف نظر از مندرجات تلگراف فوق صلا ماموم است چرا پرونده های غله سبز بجزبان نمی افتد و چرا به گزارش های بازرسان اجزای غله توجه نشده. اگر اداره کل غله نزاکت اداری را مراعات میکرد و اگر پرونده های مشککه حکه جزئی از دزدیهای سبز را روشن نموده بجزبان میبنداد و اگر دزدان اقل تعقیب میشدند کار اینجا نبرسید که برای خوردن مال دولت با ابوم کشیده شود. بهر حال این تلگراف قابل توجه است.

ما از اداره کل غله انتظار داریم اتلا در این موضوع هم تحقیقاتی بنمایم اگر چه نتیجه تحقیقات برنوشت بازرسی های قبل مبتلا کرد. تعقیب شدن اداره کل غله و توجه نداشتن پرونده های چند ماه پیش موجب خواهد شد حکه بازار دزدی بیش از پیش رواج گرفته و لجبام گسیختگی از خدمت بگذرد.

از مشترکین محترم
مهاباد تقاضا میشود برای
پرداخت وجوه اشتراک
و دریافت قبض رسید به
آقای صدیق حیدری نماینده
نامه کوهستان مراجعه
فرمائید.

محل اداره: خیابان بهاوی

روبروی کوچه مریمخانه وزیری تلفن ۸۵۳۹

تلفن ۴۷۸۷

چاپخانه وزارت کشاورزی